تحلیلی از حرکت؛ امکان تقسیم یک وجود سیال به دو وجود و تنافی آن با یک وجود بودن آن

شاگرد: آن چیزی که در زید در قنداق و زید پیرمرد یکی است، طبیعی زید است یا فرد زید؟

استاد: فرد مستمر زید است. اینها همه وجودات هستند.

شاگرد: فرد مستمر دائماً دارد تغییر می‌کند؟

استاد: آن بحث را یادآوری کنم. در یک متحرک، وجود ثابت است و ماهیات تغییر می‌کند؟ در حرکت فلسفی. در یک وجود سیال وجودش ثابت است و ماهیات آن تغییر می‌کند؟ یا ماهیتش ثابت است و وجودش سیال است؟

شاگرد: هر دوی آنها سیال است.

استاد: ایشان روی مبنای رایج حکمت متعالیه جواب دادند.

شاگرد ۲: یک وجود سیال هست که از ابتدا تا انتها هست.

استاد: خُب، وجودش سیال است و ماهیتش ثابت است؟ یا وجودش ثابت است و ماهیت آن تغییر می‌کند؟

شاگرد ۲: وقتی وجود سیال است، ماهیت را از آن انتزاع می‌کنیم. از ابتدا تا انتها ماهیت انسانی دارد.

استاد: پس وجود ثابت است یا سیال است؟

شاگرد ۲: وجود سیالی است که از ابتدا تا انتها یک وجود است. نه اینکه وجودات متعدده و متغیره.

استاد: یعنی اگر از وسط راه آن را قطع کنیم و یا فرض بگیریم، دو وجود می‌شود یا یک وجود؟

شاگرد ۲: قطعش کنیم، یعنی از حرکت بایستد؟

استاد: بله، فرض عقلی محال است؟

شاگرد ۲: مشکلی ندارد.

استاد: خُب، پس یک وجود نشد، دو وجود شد. یک وجود را که نمی‌توان نصف کرد. یک وجود بسیط را می‌توانیم نصف کنیم؟! اما یک حرکت دو ساعته را می‌توانید عقلاً نصف کنید. یعنی شما نمی‌توانید جلوی حرکتی که اقتضایش دو ساعت است را دست بگیرید؟!

شاگرد ۲: اگر واقعاً دست بگیریم که دو حرکت می‌شود.

استاد: اگر نگرفته بودید، می‌رفت.

شاگرد ۲: اگر خارجا دست گرفته باشید که دو حرکت می‌شود، اما اگر دست نگرفتید یک حرکت است.

استاد: خُب، الآن که این ده دقیقه حرکت است، واقعاً یک وجود است؟!

شاگرد ۲: وجودش سیال است ... .

استاد: اگر یک وجود است آیا در عقلتان، می‌توانید آن را نصف کنید یا نه؟. شما درعقل خودتان نمی‌توانید یک وجود را نصف کنید. چون یک وجود است. اما ده دقیقه حرکت را می‌توانید به دو حرکت پنج دقیقه‌ای تقسیم کنید.

شاگرد: سیلان و کشش اقتضای آن است. یک واحد کشش است، ولی چون کشش است، می‌توان آن را تقسیم کرد.

شاگرد ۲: وحدتش را اعتباری می‌کنیم؟

استاد: خیر؛ آن هم خلاف واضحات وجدان است. وحدتش اعتباری نیست. چرا؟؛ چون متحرک یک چیزی دارد که او است... .

شاگرد ۲: وحدتی که سیلان دارد را عرض می‌کنم.

استاد: آن باید حل شود. کلمه‌ی سیلان، لفظی کلاسیک است که اقناع کننده است و در می‌شوید. اقتضای سیلان این است. آن وقت تحلیل سیلان چه می‌شود؟ ما از شما تحلیل سیلان را خواستیم. یک وجود سیالی که ده دقیقه سیلان دارد، نصف دارد یا ندارد.

شاگرد: دارد.

استاد: خُب، وجود واحد، نصف دارد یا ندارد؟ وجود واحد بسیط نصف دارد یا ندارد؟

شاگرد: واحدی که کشش ندارد، نصف هم ندارد.

استاد: خُب، وجود مساوق بساطت هست یا نیست؟ در کتب کلامی بود. الوجود مساوق الوحدة و البساطة. کل وجود بسیط و کل وجود واحد. این از متن کتب درسی بود. خُب، وجود بسیط واحد را می‌توان نصف کرد؟! خُب، شما که می‌گویید سیال است و وجود است، مفهومی درست کرده‌اید که پارادوکسیکال است. مثل مربعی که دایره است. خُب، مگر دارید؟! دارید فرض می‌گیرید که دایره است. خُب، مربع هست یا نیست؟! می‌گویید دارید فرض می‌گیرید چهار ضلع دارد. بله شما فرض

می‌گیری‌د ول‌ی ای‌ن فرض‌ه‌ا ب‌ا ه‌م توا‌فق دارد؟! ا‌گر می‌گوی‌ی‌د دا‌ری‌ه، نمی‌توا‌نی‌د در ه‌ما‌ن حی‌ن، چ‌ه‌ار ض‌لع را فرض بگی‌ری‌د. خود فرض شما مشتمل بر تنا‌قض ا‌ست. لذا وقتی آخوند در ا‌سفار می‌خوا‌ست تحلی‌ل فل‌سفی ارا‌ئه بده‌د، می‌گفت تشا‌بک الوجود و العدم. در چند جا‌ی ا‌سفار ای‌شا‌ن می‌گوی‌د. می‌گوی‌د حرکت موجود ا‌ست ی‌ا معدوم؟ می‌گوی‌د وجود و عدم د‌ست ب‌ه د‌ست ه‌م می‌ده‌ند و ا‌زدوا‌ج می‌کنند و شبکه درست می‌کنند، ای‌ن شبکه حرکت می‌شود.

بازبینی #1
ای‌جا‌د شده 27 ژوئی‌ه 2024 15:21:57 توسط ... .
به روزرسا‌نی شده 27 ژوئی‌ه 2024 15:22:48 توسط ... .